

دو راهی یا سازش!
مقاومت یا سازش!

در قرآن کریم

+

نظرات مقام معظم رهبری در مورد مذاکره

جمعی از طلاب مدرسه مشکوة

فهرست مطالب

۳	دوراهی مقاومت و سازش! در قرآن کریم.....
۱۵	نظرات مقام معظم رهبری در مورد مذاکره.....
۱۵	مخاطب ما در مذاکره انسانی‌هایی غیر منطقی می‌باشند.....
۱۵	غیر منطقی یعنی زورگو.....
۱۵	چرا زور گو می‌باشند؟.....
۱۷	غرض دشمن از مذاکره این است که ما از ایمانمان دست بکشیم.....
۱۸	موضع ملت ایران در برابر پیشنهاد سازش و مذاکره.....

دوراهی مقاومت و سازش! در قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

این روزها و در آستانه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری، ظاهراً برخی از سیاسیون دوباره بر سر دوراهی «مقاومت - سازش» متوقف مانده‌اند. سؤال مهمی که باید به آن جواب داد این است که در شرایط کنونی با وجود انبوه فشارهای داخلی و بین‌المللی، چرا نظام باید همچنان بر گفتمان مقاومت - با همه‌ی هزینه‌های آن - پافشاری کند؟ برای پاسخ این سؤال باید به قرآن کریم رجوع کنیم.

پس از این که جامعه‌ی دست به انقلاب بزند و از سلطه‌ی دشمن خارج شود، طبیعتاً مورد فشارها و تهدیدهایی توسط دشمن قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی حرکت با قدرت جامعه‌ی انقلابی در مسیری که انتخاب کرده است حائز اهمیت است، زیرا هر لحظه امکان خستگی و تسلیم شدن مومنین در زیر فشارها و تهدیدها وجود دارد. نتیجه این خستگی و تسلیم، تمایل مومنان به برقراری ارتباطی دوستانه با دشمن، به منظور کاستن از فشارها و تهدیدها خواهد بود. قرآن کریم در سوره مبارکه ممتحنه به واکاوی این موضوع می‌پردازد و چگونگی ارتباط با دشمن، چرایی این نوع ارتباط، هدف دشمن از فشارها، آسیب‌شناسی وضعیت مومنین، وضعیت مومنین بعد از سازش و تفکیک گروه‌های دشمن را به طور دقیق بیان می‌فرماید.

بسم الله الرحمن الرحيم - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٧﴾ إِنْ يَتَّقُوكُمْ يُكَفِّرُوا كُفْرًا أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَالسِّنَنَّهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿١٨﴾ لا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿١٩﴾ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تُوَلُّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٠﴾

ترجمه المیزان: ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن مرا و دشمن خودتان را دوستان خود مگیرید، آیا مراتب دوستی خود را به ایشان تقدیم می‌کنید با اینکه به قرآنی که برای شما آمده و حق است کفر می‌ورزند و نیز رسول و شما را به جرم اینکه به خدا، پروردگارتان ایمان آورده‌اید بیرون می‌کنند؟! اگر برای رضای من و جهاد در راه من مهاجرت کرده‌اید نباید آنان را دوست خود بگیرید و پنهانی با ایشان دوستی کنید چون من بهتر از هر دانایی می‌دانم چه چیزهایی را پنهان می‌دارید و چه چیزهایی را اظهار می‌کنید و هر کس از شما چنین کند راه مستقیم را گم کرده (۱). اگر کفار به شما دست پیدا کنند دشمنان شما خواهند بود و دست و زبان خود را به آزار شما دراز خواهند کرد و آرزومند آنند که شما هم کافر شوید (۲) ... (این فرمان تنها مربوط به کفاریست که شما را بیرون کردند و با شما جنگیدند) و اما آن‌هایی که چنین نکردند خدا شما را از احسان به آنان و رفتار عادلانه با ایشان نهی نکرده زیرا خدا عدالت‌کاران را دوست می‌دارد (۸). خدا تنها از دوستی کسانی نهی کرده که با شما سر مساله دین جنگیدند و شما را از دیارتان بیرون کردند و در

بیرون کردنشان پشت به پشت هم دادند، خدا شما را از اینکه آنان را دوست بدارید نهی فرموده و هر کس دوستشان بدارد پس آن‌ها ستمکارند (۹).

سعی داریم به شرح مختصری از این آیات بپردازیم.

می فرماید:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ"

دشمن من و دشمن خودتان را سرپرست و ولی نگیرید. اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. پس، دشمن خدا را کنار خودتان ندانید، بلکه روبرو و دشمن و معارض با خودتان بدانید. دشمن خدا را به آقایی خود نگیرید.

سؤال می شود که مگر ما داریم چه کار می کنیم که خدا می فرماید دشمن من و خود را ولی نگیرید؟

"تَلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ"

شما به آن‌ها اظهار مودت و دوستی می کنید.

در زبان عربی، القاء مودت به معنای ایجاد رابطه ای دوستانه می باشد.

این که مومنین، گروهی را به عنوان ولی و سرپرست بگیرند دو صورت دارد. یک بار این است که بروند پیش کسانی بگویند شما بیاید ولایت ما را بر عهده بگیرید، شما بیاید سرپرست ما شوید تا ما تحت فرمان و سلطه ی شما قرار بگیریم. صورت دوم این است که مومنین چنین کاری نکنند، اما با گروهی اظهار مودت و دوستی نمایند. این القاء مودت و اظهار دوستی در نهایت مساوی با پذیرش ولایت و آقایی گروهی بر گروه دیگر خواهد شد. در این آیات، خداوند به این صورت دوم اشاره فرموده است و ایجاد ارتباط دوستانه با کفار را مساوی با پذیرش ولایت و آقایی آنها دانسته است. یعنی همین که شما به سمت کفار دست دراز کردید و با آن‌ها ارتباطی دوستانه گرفتید، به ناچار ولایت آن‌ها را پذیرفتید و آن‌ها را سرپرست خود کرده اید.

دستور مذکور در بسیاری از آیات قرآن تاکید شده است و در بعضی از آیات، فرمان جنگ و از بین بردن دشمن، هم به این فرمان ضمیمه شده است. برای نمونه خداوند متعال می فرماید :

"وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا"

: کفار دوست دارند همان گونه که خود کافر شده‌اند شما هم کافر شوید تا با هم یکسان باشید. پس هرگز آن‌ها را ولی و سرپرست نگیرید تا آنکه در راه خدا و برای پذیرش دین مهاجرت کنند، پس اگر از این امر روی برتافتند آن‌ها را هر کجا یافتید بگیرید و بکشید، و هرگز از آنان ولی و یابری نگیرید. (سوره نساء-۸۹)

حال سؤال میشود چرا نباید با کفار ارتباطی دوستانه داشته باشیم؟ مگر آن‌ها چه کرده اند؟

می فرماید:

"وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ"

اینها به آنچه که از حق و حقیقت پروردگار برای شما فرستاد کافر شده اند. اینها به شریعت شما کافر شدند ، به قرآن کافر شدند و آن را کذب خواندند حتی پای خود را از انکار و تکذیب زبانی قرآن بالاتر گذاشته و دست به جنایاتی مانند سوزاندن و تکه تکه کردن این کتاب آسمانی زدند. با کشیدن کاریکاتور موهن اقدام به تمسخر رسول شما کردند. اعمالی را که کفار جاهل صدر اسلام هم نکرده بودند ، کفار گستاخ زمانه ی ما مرتکب شدند.

دوم این که

"يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ"

رسول و شما را از سرزمین هایتان اخراج و بیرون می کنند. این عمل کفار، فقط مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش نیست. این رویه ی همیشگی آن ها در طول تاریخ بوده است. بیرون راندن مسلمانان مظلوم فلسطین از سرزمینهایشان مصداق عینی همین رویه در زمان ماست. همین امروز هم در میانمار، کشوری در شرق آسیا، هزاران انسان مسلمان را دارند می کشند، دارند فدا می کنند، دارند از منازل و سرزمین های خود اخراج می کنند و این قلدرها ، لب تر نمی کنند. همان هائی که برای حیوانات دل می سوزانند، فرمان قتل هزاران مسلمان را صادر می کنند و عین خیالشان نیست. انگلیسی ها در جنگ جهانی اول دست به نسل کشی ایرانیان زدند و جمعیت ایران در طی دو سال از ۱۹ میلیون ، به ۱۰ میلیون رسید. در بوسنی و هرزگوین نسل کشی مسلمانان، جمعیتشان را از بین برد. در شهر سربینیتسا، با دخالت اروپاییان، فقط در یک شب بیش از سی هزار مسلمان قتل عام شد. آمریکایی ها در عراق و افغانستان ، چندین میلیون کشته و زخمی بر جای گذاشتند. و هنوز هم روز به روز بر تعداد این کشته ها افزوده میشود.

حال این سؤال مهم مطرح می شود که جرم مردم فلسطین و بوسنی و میانمار و عراق و افغانستان و چه بوده است؟ آن ها چه کرده اند که باید خانه و کاشانه ی آنها ویران و جان و مال و ناموشان حلال میشد؟

می فرماید:

"أَنْ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ"

تنها جرم آن ها این است که مومند. تنها گناه آن ها این است که به خدای یگانه ایمان آورده اند.

این سخنان را خدا می گوید، و این یعنی از نیت های واقعی کفار خبر می دهد. خبری که احتمال دروغ در آن نمی رود. دشمنان شما ، آدمهایی هستند که راضی به زندگی کنار شما نیستند، اصلا وجود شما را نمی توانند تحمل کنند. تا زمانی که بتوانند از قتل عام و بیرون راندن مسلمانان از ممالکشان کوتاهی نخواهند کرد. اگر بهانه پیدا کنند به قتل عام مردم مسلمان بوسنی در اروپا می پردازند. بعد به بهانه های واهی به آسیا و عراق حمله می کنند، بعد به افغانستان می روند و به قتل عام در آنجا دست می زنند. سپس در آسیای مرکزی، مسلمانان میانمار را از سرزمین هایشان می رانند و به فجیع ترین شکل ممکن دست به کشتار جمعی آن ها میزنند. به وسیله ی ایادی خود، شیعیان بحرین را به جرم شیعه بودن تحت شکنجه و تجاوز و کشتار قرار می دهند. اطراف ایران را می گیرند و سوریه و عراق و دیگر کشورهای هممران ایران را به هم می ریزند، سپس هم اگر دستشان برسد، همه ی شما را به بدترین وجه خوار و ذلیل

خود می کنند و به خاک و خون می کشند. همه ی این ظلم ها و دشمنی ها را انجام می دهند تنها به یک دلیل. آن هم این است که شما مومن هستید. شما به خدای یگانه ایمان آورده اید. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید:

مذاکره، یعنی چه؟ صرف این که شما بروید با امریکا بنشینید حرف بزنید و مذاکره کنید، مشکلات حل می شود؟ این طوری که نیست. مذاکره در عرف سیاسی، یعنی معامله. مذاکره با امریکا، یعنی معامله با امریکا. معامله، یعنی داد و ستد؛ یعنی چیزی بگیر، چیزی بده. تو از انقلاب اسلامی، به امریکا چه می خواهی بدهی، تا چیزی از او بگیری؟ آن چیزی که شما می خواهید به امریکا بدهید، تا در مقابل از او چیزی بگیرید، چیست؟ ما چه می توانیم به امریکا بدهیم؟ او از ما چه می خواهد؟ آیا می دانید که او چه می خواهد؟ «و ما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحمید». (۱) واللّه که امریکا از هیچ چیز ملت ایران، به قدر مسلمان بودن و پایبند بودن به اسلام ناب محمدی، ناراحت نیست. او می خواهد شما از این پایبندیتان دست بردارید. او می خواهد شما این گردن برافراشته و سرافراز را نداشته باشید؛ حاضرید؟ (۱۳۶۹/۰۲/۱۲)

إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي

ای مومنین، اگر واقعا راست می گوئید، اگر واقعا در راه جهاد و مجاهدت و کوشش برای من خارج شدید، حق ندارید با کفار رابطه ی دوستانه برقرار کنید. این دستور خداست. قول مستقیم خداوند است. خداوند از شما خواسته مذاکره نکنید، زیرا این مذاکره در نهایت به ولایت و آقایی دوباره آنها بر شما ختم شود. اگر شما به خاطر رضایت خدا از ولایت کفار خارج شده و به دین الهی وارد شده اید چرا به سمتی میروید که از دشمنانی که زنده بودن مسلمانان را، به تصریح قرآن، نمی توانند تحمل کنند، درخواست کمک و تسامح داشته باشیم. شما را چه شده است؟ آیا گرانی و مشکلات اقتصادی و سیاسی موجب خسته شدن شما شده است؟ مگر شما روز اول به خاطر رضای الهی دست به این جهاد و از خود گذشتگی نزدیکی پس چرا الان سست می شوید و دست از مقاومت بر می دارید؟ امام ره می فرماید: ما یک ملتی هستیم که به این گرسنگی خوردنها عادت کرده ایم. ما سی و پنج سال، یا پنجاه سال می گوئید ما در این گرفتاریها بودیم و عادت داریم به این گرسنگی خوردنها. ما روزه می گیریم، ما یک وقت (وعده) غذا می خوریم. اگر بنا باشد که آنها محاصره اقتصادی بکنند، فرضاً که بتوانند و همه ملتها تبع ایشان بشوند، و حال آنکه این خیالی است خام، و همچو چیزی تحقق پیدا نمی کند. فرضاً که تحقق پیدا بکند، ما همان جو و گندمی که خودمان در مملکت خودمان کشت می کنیم، اقتصاد می کنیم، و برای خودمان همان مقدار کافی است. ما در هر هفته یک روز گوشت می خوریم. گوشت خوردن خیلی چیز خوبی هم نیست. و یک وعده هم ممکن است غذا بخوریم. ما را از این چیزها اینها نترسانند. اگر امر دایر بشود بین اینکه آبروی ما حفظ بشود یا شکمان سیر بشود، ما ترجیح می دهیم که آبرویمان حفظ بشود، شکمان گرسنه باشد. صحیفه امام، ج ۱۱، ص: ۳۹ در جای دیگری میفرماید: **برای شکم که قیام [نکرده بودند این ها [جوانان]، برای خدا کرده بودند.** ما تاریخ صدر اسلام را می بینیم که آن هایی که برای خدا کار می کردند با چه مشکلاتی روبرو بودند، خود پیغمبر با چه مشکلاتی روبرو بود، حضرت امیر با چه مشکلاتی روبرو بود. صحیفه امام، ج ۱۷، ص: ۴۴

بماند که اکنون فضا هم فضای بدر و خیر است، و نه شعب ابی طالب. ما شعب را در زمان امام ره گذرانده ایم، و اکنون لحظاتی بیشتر تا پایان خط و پیروزی نمانده. اکنون دیگر فقط کافی است از هواهایمان پیروی نکنیم. کافی است در جامعه درست رفتار کنیم. کافی است به جان هم نیافتیم، و امت واحده بمانیم. کافی است نعمت انقلابمان را قدر بدانیم و کافی است تنها چند قدمی تا صندوق رای حرکت کنیم و حماسه سیاسی رقم زنیم، و کالای ایرانی بخیریم

و حماسه اقتصادی راه بیاندازیم. دیگر نیازی به روزه اقتصادی و گرسنگی کشیدن نیست، و ما به اهدافمان بسیار نزدیک شده ایم.

مباحث سوره به این نقطه که می رسد، گویا مخاطب، می گوید چه کسی گفته ما رابطه ی دوستانه برقرار می کنیم؟ چه کسی گفته ما به آن ها اظهار دوستی میکنیم؟ مذاکره کردن یک کار عقلایی است. ما که نترسیده ایم، بلکه عقلمان حکم می کند مذاکره کنیم.

خداوند می فرماید:

"تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ"

در پنهان و خفا به آن ها اظهار دوستی می کنید در حالی که من به آنچه شما پنهان کرده اید و آنچه آشکار ساخته اید دانانترم.

"وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ"

هر کس از شما که این کار را انجام دهد یعنی با دشمنان خدا طرح دوستی و یاری بریزد، راه میانه را گم کرده است و فریب خورده است.

در سال های اخیر در کشور ما سیاسیونی بوده اند که به شدت خواستار ایجاد ارتباط دوستانه با کفار و به ویژه آمریکا شده اند، اما چون این ارتباط مخالف خواسته ی توده ی مردم بوده است، آن را به صورت پنهانی دنبال کردند. برای نمونه میتوان به نامه دولت اصلاحات به رییس جمهور آمریکا اشاره کرد. به گزارش رجا نیوز، وزیر امور خارجه ایران در آن زمان، آقای خرازی، میگوید: "در [سال] ۲۰۰۳ دیوار بی اعتمادی بلندی میان ایران و آمریکا وجود داشت و هر لحظه ممکن بود آمریکا به ما حمله کند. به همین خاطر به پیشنهاد من، دولت هشتم نامه ای به آمریکا نوشت. این نامه که سراسر سازش و کوتاه آمدن از آرمان ها بود، توسط سفیر سوییس به رییس جمهور آمریکا داده شد. قسمتی از مفاد این نامه به شرح زیر است:

"در بحث خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران دو محور زیر را خواهد پذیرفت. ۱- قطع هر گونه کمک مادی به فلسطینی ها (حماس و جهاد و) از طرف خاک ایران و اجبار این گروه ها که اقدامات خونبار را قطع کنند علیه مردمی که در مرزهای ۱۹۶۷ قرار دارند. ۲- کاری کنند که حزب الله یک گروه سیاسی- اجتماعی در لبنان شود. (در واقع، حزب الله خلع سلاح شود)"

نوشتن این نامه پنهانی در حالی رخ داد که دولت اصلاحات در همان سال، در مسائل خارجی، به ویژه در مسئله هسته ای کاملاً با غرب همکاری کرد که انشاءالله در ادامه به نتایجی که از مذاکرات انجام شده در آن دوران به دست آمد، اشاره خواهیم کرد.

در مورد ایجاد رابطه آشکار دوستانه، شاید بهترین مثال، ارتباط حکام برخی کشورهای عربی با آمریکا باشد. حکامی که به خیال خود می خواستند با ایجاد رابطه با آمریکا، پشتوانه محکمی برای حیات سیاسی خود دست و پا کنند و به وسیله ی این سازش ها موجبات بهبود و پیشرفت کشورهایشان را به وجود آورند. غافل از اینکه

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

داستان کسانی که به جای خدا کسانی دیگر را به ولایت و آقایی گرفته‌اند، مانند داستان عنکبوتی است که خانه‌های بی‌دیوار، بی‌سقف و بی‌حفاظ برای خود بنا کرده باشد، و بی‌تردید سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اینها اگر معرفت و شناخت داشتند دست به چنین کاری نمی‌زدند. (سوره مبارک عنکبوت-۱/۴۱)

و مگر وضعیت این کشورها بعد از این همه ارتباط با غرب به کجا رسید؟ این ارتباطات چه قدر موجب پیشرفت این کشورها شد؟ مصری که در قاهره اش ۲ میلیون نفر از بی‌خانمانی در قبرستان‌ها می‌خوابند. عربستانی که درآمدش میان وهابیون و آل سعود تقسیم می‌شود و اقلیت شیعه و اکثریت مالکی از این درآمدها هیچ عایدی ای ندارند. فقرای فراوانی که در شهرهای مختلف عربستانند و به حاجیان ما نشان داده نمی‌شوند. دیگر، کشورهای کوچک و ریز حاشیه خلیج فارس اند که پیشرفت علمی، بین‌المللی، سیاسی، فرهنگی ایران اسلامی را در خواب هم نمی‌بینند، و با وجود داشتن نفت، به گدایان موقتی در خانه غرب تبدیل شده‌اند و مردمشان را به ذلت کشانده‌اند. و خدا میداند روزی که نفتشان تمام شود آمریکا چه بر سر آنها خواهد آورد. ترکیه ای که دولتش تازه پس از این همه مبارزات، از دست ارتشیان کودتاجی خارج شده و در عین حال، سال‌هاست ملت‌ماسانه منتظر پذیرفته شدن در اتحادیه اروپا است و برای این مطلوب هر باجی که بخواهند می‌دهد. در همین راستا آمریکا دولت ترکیه را واداشته تا خلاف امنیت ملی خود با سوریه ی همسایه بجنگد و این راه دادن مستقیم به وهابیون و ایجاد انگیزه برای مبارزین کرد، حماقتی است که ترکیه در آینده اثراتش را خواهد دید. و همه ی این کشورها، در بعد نظامی چونان کودکی اند در مقابل ایران اسلامی. اگر مذاکره قرار است ما را به اینجاها بکشاند و مشکلات اقتصادیمان را هم حل نکند - که نمی‌کند- پس مذاکره برای چه؟

در همین سالهای اخیر به چشم خود عاقبت صدام‌ها و قزافی‌ها و بن‌علی‌ها و حسنی مبارک‌ها را دیدیم که خود در اوج خواری و ذلت از قدرت و صحنه‌ی هستی کنار رفتند و مملکت خود را به بیچارگی و بدبختی کشاندند. بر اساس این منطق قرآنی، ما می‌توانیم با اطمینان بگوییم عاقبت اردوغان‌ها، آل سعود‌ها و آل خلیفه‌ها و ... نیز، این چنین خواهد شد.

مقام معظم رهبری در تبیین این موضوع می‌فرمایند: کشورهایی در همین منطقه‌ی ما هستند و سی و چند سال در مشت آمریکا بودند، دولت‌هاشان نوکر و مطیع و فرمانبر آمریکا بودند؛ آن‌ها کجا هستند؟ ملت ایران هم سی و چند سال در مقابل آمریکا ایستاده؛ ملت ایران کجاست؟ در مقابل سی سال فشار آمریکا، ملت ما از لحاظ پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، آبروی بین‌المللی، نفوذ و اقتدار سیاسی، به جایی رسیده است که در دوران رژیم‌های پهلوی و قاجار خوابش را هم نمی‌دیدند؛ نه مردم، نه مسئولان. ما تجربه کردیم، ما امتحان کردیم. سی سال ما در مقابل فشارهای آمریکا ایستاده‌ایم، اینجائیم؛ ملت‌هایی هم هستند که سی سال تسلیم آمریکا شدند و مراحل متعددی عقب‌اند. ما بدی ندیدیم از ایستادگی، از مقاومت. مقاومت، نیروی درونی یک ملت را احیاء میکند و به فعلیت میرساند. (۹۱/۱۱/۲۹)

در ادامه سوره برای اینکه مسلمان‌ها از نظر فکری قانع شوند و چرایی ممنوع بودن ایجاد هر گونه رابطه‌ی دوستانه با کفار را بهتر درک کنند، به معرفی آن‌ها می‌پردازد. می‌فرماید اشتباه نکنید، هر کار کنید دل آن‌ها با شما نرم نخواهد

شد. آن ها کسانی اند که دین شما، ایمان شما، عقاید شما را به زیان خود می بینند ، پس همت به نابودی دین و ایمان شما گماشته اند. این ها هرگز با شما مهربان و دوست نخواهند شد. هر چه قدر شما کوتاه بیاید و سازش کنید این ها دست بر نخواهند داشت.

"إِنْ يَتَّقُواكُمْ"

اگر بر شما دست یابند

"يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً"

دشمن شما خواهند بود

وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ

دست و زبان خود را به بدی بر روی شما می گشایند. دستشان را می گشایند، شما را تحت فشار قرار می دهند، زبانشان را به بدی به روی شما می گشایند، شما را تحقیر می کنند، شما را بی حیثیت و بی شرافت می کنند، شما را به عنوان یک انسان قابل نمی شمارند. کاری ندارند که شما کدام طرفی بوده اید. مهم این است که ایران، دیگر نتواند سر برآورد. هاشمی و خاتمی و خامنه ای، بقال و محصل و سیاستمدار، برایشان فرقی نمی کند. دلیل می کنند و نابود. و اینجا است که اگر فکرش را بکنیم، می فهمیم در چه پیچ تاریخی ای قرار داریم. می فهمیم با یک عقب نشینی پس از طی قسمت سخت مقاومت، چه ذلت ها در تاریخ برای ایران و ایرانی و اسلام و مسلمان پیدا خواهد شد و با استقامتی اندک، چه افق هایی فتح خواهد شد.

در جایی دیگر در پاسخ به کسانی که می گویند. نه خیر! کافران با ما قرار داد دارند و آنها براساس قرار دادشان عمل میکنند ، می فرماید:

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا ذِمَّةً يَرِضُونَكُمْ بِأَنْوَاعِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ

چگونه تعهدشان مورد اعتماد خواهد بود در حالی که اگر بر شما پیروز شوند در حق شما نه خویشاوندی را مراعات می کنند و نه عهد و پیمانی را؟! شما را با سخنانشان راضی می کنند در حالی که دل هایشان امتناع دارد، و بیشترشان فاسق اند. (سوره توبه-۸)

در این جا به یکی از حوادث تاریخی ای که در جمهوری اسلامی ایران در مورد ارتباط با دشمن شکل گرفت و موجب شد دست دشمن و به ویژه آمریکا برای ما رو شود، اشاره ای گذرا می کنیم.

ژوئن ۲۰۰۳ یا خرداد ۱۳۸۲ بود. جناب آقای حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی بودند. پرونده ایران برای اولین بار در شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی مطرح شد. دبیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی برای اولین بار، گزارش درباره فعالیت های هسته ای ایران را به شورای حکام داد. وی در اجلاسی در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۳ در سخنرانی خود گفت: " ایران نتوانسته است گزارش دقیقی از مواد هسته ای و فعالیت هایش را ارائه دهد. ولی مقامات ایران گامهایی اصلاح کننده ای برداشته اند" شورای حکام در سپتامبر همان سال، تشکیل جلسه داد و در آن، قطعنامه شدید اللحنی علیه ایران صادر شد. شورای حکام برای اجرای مفاد قطعنامه به ایران ضرب الاجل (Dead Line) داد.

چند ماه بعد دولت امریکا با صدور قطعنامه ای شدید اللحن از سوی آژانس، عزم خود را برای ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت، جزم کرده بود

ایران، تحت تاثیر فشارهای وارد شده اعلام کرد که در قبال دریافت برخی امتیازات، پروتکل را امضا خواهد کرد.

توافقنامه سعد آباد و پذیرش پروتکل الحاقی

وزرای خارجه سه کشور آلمان فرانسه و انگلیس وارد ایران شدند تا برای برون رفت از وضعیت آن زمان چاره ای اندیشیده شود. در این توافقنامه ضمن این که حق ایران در دست یابی به انرژی صلح آمیز هسته ای به رسمیت شناخته شده بود یک سری از امتیازات دیگر هم برای ایران در نظر گرفته شده بود که در قبال آن ایران باید پیوستن به پروتکل الحاقی و تصویب آن در مجلس را در دستور کار خود قرار می داد و لذا بعد از تمام اتفاقات پیش آمده، نهایتاً ایران در وضعیتی پروتکل را پذیرفت که وزرای سه کشور اروپایی خواسته های خود را در کاخ سعدآباد بر ایران تحمیل کردند. جمهوری اسلامی ایران، پس از مذاکرات، اعلام کرد که پروتکل الحاقی را پذیرفته و برنامه غنی سازی اورانیوم را به حال تعلیق درآورده است.

معاهده بروکسل

پس از امضای بیانیه تهران بین سه کشور اروپایی و ایران، طرفین امضا کننده این بیانیه در تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۰۴ (۱۴ اسفند ماه ۱۳۸۲) - یعنی چند ماه بعد از امضای بیانیه سعد آباد- در بروکسل مقر اتحادیه اروپا توافق کردند که ایران علاوه بر تعلیق داوطلبانه اورانیوم که در بیانیه تهران بدان متعهد شده است از ساخت قطعات و مونتاژ دستگاه های ساتتریفوژ که ابزار اصلی غنی سازی اورانیوم به حساب می آیند نیز دست بردارد. اروپایی ها نیز در مقابل متعهد شدند تا پرونده هسته ای ایران را به طور کامل از دستور کار آژانس خارج کنند. که در آینده به این مفاد پایبند نمانند.

موافقتنامه پاریس

چند ماه بعد، اعتراضات و ابراز نگرانی های ایران در مورد روند طی شدن پرونده هسته ای موجب شد تا پرونده هسته ای وارد فاز جدیدی شود و و این بار اروپا با پیشنهاد جدید تری وارد بازی شد. بالاخره بعد از چند مرتبه مذاکره، توافقنامه ی جدیدی که توافقنامه پاریس نام گرفت، به امضا رسید. طرفین، تعهدات جدیدی پذیرفتند مثلاً ایران تصمیم گرفت که به طور داوطلبانه، برنامه تعلیق را گسترش دهد و به طور کلی هر نوع آزمایشی که تبدیل اورانیوم را در بر بگیرد به حال تعلیق در بیاورد. در مقابل، اروپاییان بیشتر تعهداتی را پذیرفتند که ناظر به آینده بود. از جمله این که حقوق ایران بر اساس NPT به رسمیت شناخته شود و و اذعان کردند که اروپا حق ایران را در بهره گیری صلح آمیز از انرژی انرژي اتمی و چرخه سوخت هسته ای را به رسمیت شناخت.

اما بر خلاف انتظار، بعد از این توافقات، کشورهای اروپایی، بانی قطعنامه ای شدند که ۵ آذر ۱۳۸۳ به تصویب رسید و صادر شد. و مهمترین نکته آن عبارت تعلیق پایدار غنی سازی اورانیوم از جانب ایران بود و همچنین بحث نامحدود بودن تعلیق نیز از مسائل مطرح شده بود که با توافق پاریس کاملاً در تضاد بود.

در آن زمان و پس از معلوم شدن نتایج مذاکرات، سوال اساسی که مورد پرسش توده‌های مردم قرار داشت، این بود که پس از سال‌ها دم زدن آقای خاتمی از "گفتگوی تمدن‌ها" و عقب‌نشینی‌های مکرر ایشان از برخی مواضع اصولی نظام، کوتاه آمدن در برابر زیاده‌خواهی‌های مکرر غربی‌ها و به ویژه امتیاز دادن‌هایشان در پرونده هسته‌ای که اجمالی از بیان شد، چه دستاوردی برای ملت ایران به دست آمد؟ جز این بود که موجب شد رییس جمهور آمریکا جرج دبلیو بوش با وقاحت تمام در سخنرانی سالانه خود در کنگره ایالات متحده آمریکا، سه کشور ایران، عراق و کره شمالی را به عنوان محور شرارت معرفی نمود!

تا کجا عقب بکشیم دشمن از ما راضی خواهد شد؟ چه امتیازاتی باید به آن‌ها داده شود تا دست از دشمنی با ما بردارند؟

"وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ"

دوست می‌دارند که شما کافر بگردید. هدف آن‌ها، کافر شدن شماست. تا به این هدف نرسند، دست از آزار و اذیت شما بر نمیدارند. در آینده اگر دوباره بر شما مسلط شوند، همین یک ذره عقیده‌ی قلبی را هم، نمی‌گذارند شما نگه دارید. خیال نکنید که آزاد و راحت می‌گذارند شما مسلمان بمانید؛ می‌گذارند شما به وظایف اسلامی تان عمل کنید.

رویه‌ی کفار این گونه است. اما اگر مقاومت کنیم چه می‌شود؟ اگر با آن‌ها رابطه‌ی دوستانه برقرار نکنیم وضعیت ما چگونه خواهد شد؟ آیا فشارها و تهدیدها، ما را از پا در خواهد آورد؟ جمهوری اسلامی ایران در این زمینه تجربه‌های فراوانی دارد. از جمله‌ی این تجربه‌ها، تجربه‌ی مقاومت در بحث هسته‌ای است.

ابتدای دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد در حالی آغاز شد که با توجه به عقب‌نشینی‌های دولت اصلاحات، بحث کشیده شدن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، قطعی شده بود و منشاء آن هم اعلام تصمیم از سرگیری فعالیت‌های تبدیل اورانیوم در UCF اصفهان بود. رویه‌ی جدید برخورد ایران دچار تغییرات عمده‌ای شد. ایران دیگر منتظر عمل غربی‌ها نمی‌ماند تا از خود، عکس‌العمل نشان دهد. غالباً این اقدامات ایران بود که با عکس‌العمل‌های غربی‌ها مواجه می‌شد و به اصطلاح سیاسی **دیپلماسی ایران از حالت انفعالی به حالت فعال تغییر جهت داد** و در همین راستا ایران در سه سیاست عمده خود تغییر جهت داد این سه سیاست عبارت بودند از:

سیاست اول: تعلیق اجرای پروتکل الحاقی

سیاست دوم: تعلیق همکاری‌های داوطلبانه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

سیاست سوم: به صحنه کشاندن ملت برای احقاق حقوق هسته‌ای خود و استفاده از این پشتوانه عظیم مردمی به جای تکیه به اروپا. یعنی دست‌یابی به انرژی هسته‌ای به یک خواست ملی تبدیل شد.

در واقع سیاست خارجی ایران در این دوره، سه رکن اساسی پیدا کرد:

۱- تعامل با نظام بین‌الملل و پرهیز از ناهنجاری‌ها و قانون شکنی‌ها ۲- مقاومت بدون اغماض در مورد احقاق حقوق هسته‌ای ۳- اتکال و اعتماد به پشتوانه نیروی مردمی به جای اعتماد به اروپا

سخنرانی رییس جمهور در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵ (۲۷ شهریور ۱۳۸۴) در مقر سازمان ملل، ابتکاری فعالانه در راستای تداوم همین دیپلماسی فعال هسته‌ای ایران بود. ایشان در سخنرانی خود با اشاره به برخورد دوگانه غرب،

آپارتاید هسته‌ای و خلأ ضمانت اجرای معاهده NPT برای خلع سلاح فراگیر، پیشنهاد نمودند مجمع عمومی، کمیته ویژه‌ای را برای مقابله با تکثیر تسلیحات هسته‌ای و رفع آپارتاید هسته‌ای مشخص کند که یکی از کارویژه‌های آن تهیه گزارش جامع در مورد چگونگی انتقال مواد، فناوری و تجهیزات ساخت سلاح هسته‌ای به رژیم صهیونیستی باشد.

جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بند چهار معاهده NPT و در چارچوب «اصل تحقیق و توسعه» در ۹ آوریل ۲۰۰۶ (۲۰ فروردین ۱۳۸۵) موفق به تولید چرخه کامل سوخت هسته‌ای در مقیاس آزمایشگاهی شد و به کشورهای عضو باشگاه اتمی پیوست. پیشرفت‌های ایران در زمینه ی هسته‌ای روز به روز سرعت می گرفت تا اینکه با گذشت یکسال، در ۱۱ آوریل ۲۰۰۷ (۲۲ فروردین ۱۳۸۶)، رئیس جمهوری در مراسم جشن روز ملی فناوری هسته‌ای در نطنز اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران در گروه تولیدکنندگان صنعتی سوخت هسته‌ای قرار گرفته است.

هم اکنون جمهوری اسلامی ایران با افتخار اعلام می دارد، کشوری که در اوائل سال ۱۳۸۴ به داشتن تنها چند دستگاه ساترفیوژ برای تحقیقات هسته‌ای رضایت داده بود و حتی در این زمینه هم نتوانست اروپائیان را قانع سازد، جزء کشورهای باشگاه هسته‌ای می باشد و سالانه جشن هسته‌ای را برپا می کند بدون اینکه دیگر نگرانی‌ای از حمله و تهدیدها و تحریم‌های بی اثر زورگویان بین المللی داشته باشد. احتمال حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران به نزدیک صفر رسیده است و دیگر کشور از این بابت احساس نا امنی نمی کند و هم اکنون ابزارهای جمهوری اسلامی ایران برای چانه زنی در این زمینه بسیار بیشتر شده است و **حتی مخالفانی همچون آمریکا حاضر به مذاکره بدون پیش شرط با ایران شده اند.**

این جاست که مردم مسلمان و معتقد ایران وعده‌های الهی را حق می‌ابند، همان وعده‌ای که خداوند در قرآن فرمود

"وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا"

اگر شما با ایمان حرکت کنید، اگر مومنین در مسیر حق قدم بردارند، خداوند هرگز برای تسلط کافران بر مومنین راهی قرار نخواهد داد. (سوره نساء - ۱۴۱)

درس گرفتن از چنین تجربه‌هایی در طول ۳۴ سال عمر با برکت نظام جمهوری اسلامی است که به مردم انقلابی کشور ما ثابت کرده است که اگر در راه مقاومت و جهاد قدم بردارند، قطعاً یاری خدا می رسد و مشکلات، یکی پس از دیگری رفع می شود.

مقام معظم رهبری در همین زمینه می فرماید: نه، این جور نیست، مذاکره مشکلی را حل نمی کند؛ مذاکره‌ی با آمریکا مشکلی را حل نمی‌کند؛ کجا این‌ها به وعده‌های خودشان عمل کردند؟ شصت سال است که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که با آمریکایی‌ها مسئولین این کشور اعتماد کردند، ضربه خوردند. **یک روزی مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد، به آن‌ها تکیه کرد، آن‌ها را دوست خود فرض کرد، ماجرای ۲۸ مرداد پیش آمد که محل کودتا در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت و عامل کودتا با چمدان پر پول آمد تهران و پول قسمت کرد بین اراذل و اوباش که کودتا را راه بیندازد؛ آمریکایی بود. تدبیر کار را خودشان هم اعتراف کردند، اقرار کردند. بعد هم حکومت ظالمانه‌ی پهلوی را سالهای متمادی بر این کشور مسلط کردند، ساواک تشکیل دادند، مبارزان را به زنجیر کشیدند، شکنجه کردند؛ این مال آن دوره است. بعد از انقلاب هم در برهه‌ای مسئولین کشور**

روی خوش‌بینی‌های خود به این‌ها اعتماد کردند، از آن طرف، سیاست دولت آمریکا، ایران را در محور شرارت قرار داد. (۹۱/۱۱/۲۱)

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا با تمامی کفار باید به یک نحو برخورد کرد؟ آیا ایجاد رابطه‌ی دوستانه با هر کافری مورد نکوهش خداوند است؟ اگر این‌گونه باشد آیا ما کشوری منزوی در جهان نخواهیم شد؟ همین الان هم جمهوری اسلامی ایران با بسیاری از کشورهای خارجی که نظام حاکم بر آن‌جا توسط کفار اداره می‌شود، رابطه دارد، آیا سیاست خارجی کنونی ما بر خلاف قرآن است؟ در ادامه سوره به این نکته پرداخته می‌شود.

"لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ"

خدا نهیتان نمی‌کند در مورد کفاری که با شما در مورد دینتان جنگ ندارند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نمی‌کند

"أَنْ تَبْرُوهُمْ وَنُقَسِّطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۸۱﴾"

خدا نهیتان نمی‌کند از این‌ها که با آن‌ها به نیکی رفتار کنید و ارتباطی عادلانه داشته باشید. منطق اسلام این نیست که با لجاجت و اصرار دستور دهد تا مسلمانان با تمامی جهانیان دشمن باشند و با هیچ کشور غیر مسلمانی ارتباط نداشته باشند. در اسلام، بین کفاری که با دین و ایمان مسلمانان جنگ دارد و کفاری که با مسلمانان سر دینشان و منطقشان جنگی ندارد تفاوت گذاشته شده است. این منطق والای اسلام و قرآن است که موجب می‌شود ما هیچ وقت در جهان منزوی نشویم. همین منطق موجب می‌شود که ما با بسیاری از کشورهای جهان مانند چین، روسیه، کشورهای آسیای مرکزی، کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای آفریقایی و ... ارتباط داشته باشیم و موفق شویم با یک دیپلماسی فعال، نقش تاثیر گذاری در جهان ایفا کنیم تا جایی که بتوانیم ریاست جنبش عدم تعهد‌ها، که شامل حدود ۲/۳ کشورهای جهان می‌باشد را، بر عهده بگیریم.

مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در دیدار با مسئولین بلند پایه بیش از ۱۳۰ کشور جهان در اجلاس عدم تعهد می‌فرماید: شرایط گیتی، حساس و جهان، در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است. انتظار می‌رود که نظمی نوین در حال تولد یافتن باشد. مجموعه‌ی غیرمتعهدها حدود دو سوم اعضای جامعه‌ی جهانی را در خود جای داده است و می‌تواند در شکل‌دهی آینده نقشی بزرگ ایفاء کند (۹۱/۰۶/۹)

پس از معرفی گروهی از کافران که میتوان با آنها ارتباط برقرار کرد در مقابل به معرفی کافرانی که نباید هیچ‌گونه رابطه‌ای با اینها ایجاد شود، می‌پردازد.

"إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ"

اول کافرانی که با ما سر دینمان جنگ دارند، مانند آمریکا، دوم کافرانی که مسلمانان را از خانه‌هایشان بیرون می‌کنند، مانند اسرائیل که فلسطینی‌ها را از سرزمینشان بیرون کرد. و سوم کافرانی که از آنها پشتیبانی می‌کنند، مانند انگلیس و خداوند مومنین را از ایجاد هر گونه رابطه‌ی دوستانه که در نهایت به ولایت و آقایی آن‌ها خواهد رسید نهی می‌کند.

"وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۹۱﴾"

حال اگر مومنین با یکی از این سه گروه ارتباط برقرار کنند و به سمت پذیرفتن ولایت و آقایی آنها پیش روند، هم به خودشان و هم به مومنین ظلم کرده اند.

حتی در آیات دیگر قرآن، خداوند دستور به جنگ و کشتن کافران سلطه طلب و مستبد و بی وفا به پیمان ها و مذاکره ها را صادر می فرماید:

"فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ"

پس با پیشوایان کفر بجنگید و آن ها را بکشید، چرا که آنان هیچ پیمانی را رعایت نمی کنند، باشد که این جنگ شما موجب شود از رویه ی خود و پیمان شکنی هایشان باز ایستند. (سوره توبه - ۱۲)

و در چرایی این فرمان می فرماید:

"الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بغيرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ"

همان کسانی که به ظلم و ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند. گناهی نداشتند جز اینکه گفتند: «پروردگار ما خداست» و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آن ها بسیار برده می شود، توسط کفار و دشمنان الهی ویران می شد، و قطعاً خدا به کسانی که به وسیله ی جنگ با کافران دین او را یاری می کند، یاری می دهد، چرا که خداوند سخت نیرومند شکست ناپذیر است. (سوره حج - ۴۰)

مقام معظم رهبری هم کاملاً به دو نوع رفتار مختلف با کفار قائلند و این را در عمل و گفتار خود اعلام کرده اند ایشان می فرمایند: ملت ایران آرمان ها و مقاصدی دارد که در دنیا هر کس به این مقاصد و نیز به ملت ایران احترام گذاشته و نظام جمهوری اسلامی را قبول کرده، ملت ایران در طول زمان با او مثل یک طرف برابر و مساوی وارد میدان مذاکره و معامله شده است. ما با شوروی هم ارتباطات داشتیم، با اروپا و همه ی دنیا هم ارتباطات داریم. مسأله ی امریکا این است که هویت اسلامی و ملی ما را قبول ندارد و این را به زبان می آورد. چرا عده ای از مدعیان سیاست و فهم، نمی فهمند؟! واقعا جای تأسف است. حکومتی که این طور صریحاً می گوید می خواهیم علیه نظام اسلامی و خواست ملت ایران عمل کنم و برای براندازی این نظام بودجه می گذارد، ارتباط و مذاکره با آن، هم خیانت و هم حماقت است. (۱۳۸۱/۰۳/۰۱)

حال این سوال پیش میاید که آیا تا ابد باید با سه گروه بالا دشمن بود؟ آیا هیچ گاه نمیتوان با آن ها رابطه دوستانه برقرار کرد؟ جواب این است که اگر روزی برسد و این کافران دست از دشمنی با مسلمانان بکشند، در چنین شرایطی منعی برای ایجاد رابطه با آن ها وجود نخواهد داشت. مقام معظم رهبری در این زمینه هم می فرمایند:

آمریکائی ها باید حسن نیت خودشان را اثبات کنند؛ نشان بدهند که درصدد زورگویی نیستند. اگر چنانچه این را نشان دادند، آن وقت خواهند دید که ملت ایران پاسخ خواهد داد. شرارت نباشد، دخالت نباشد، زورگویی نباشد، شناختن حقوق ملت ایران باشد، آن وقت جواب مناسب از طرف ایران داده خواهد شد.

و این نمی شود مگر این که گرگی میش شود و میشی گرگ! یعنی نیاز به تغییر هویت واقعی این کشورهای مستکبر وجود دارد.

نظرات مقام معظم رهبری در مورد مذاکره

مخاطب ما در مذاکره انسانهایی غیر منطقی میباشند.

غیر منطقی یعنی زورگو

دولتمردان آمریکائی غیر منطقی حرف میزنند. با گفتگو کننده‌ی غیر منطقی، نمیشود انسان بنشیند به اتکاء منطق حرف بزند؛ خب، او غیر منطقی است. غیر منطقی یعنی زورگو، یعنی حرف بیخود بزن. این واقعیتی است که ما در طول این سی سال در برخورد با قضایای گوناگون جهانی آن را بروشنی دریافته‌ایم. ما این را میفهمیم که طرف مقابل ما کیست و چگونه باید با او رفتار کرد. (۹۱/۱۱/۲۹)

چرا زورگویی باشند؟

ما را بایکوت رسانه ای کرده اند.

البته این حرفها برای ملت ایران است. آنها که حرف میزنند، رئیس جمهور آمریکا که حرف میزند، اعوان و انصارش از دولتمردان آمریکا که حرف میزنند، برای فریب دادن افکار عمومی است؛ حالا افکار عمومی جهان، یا افکار عمومی ملت‌های منطقه؛ یا اگر بتوانند، افکار عمومی ملت خودمان. ما فعلاً با افکار عمومی جهان کاری نداریم. شبکه‌ی وابسته‌ی صهیونیستی - آمریکائی خبری دنیا حرفهای ما را آنچنان که هست، منعکس نمیکند؛ یا اصلاً منعکس نمیکند، یا ناقص منعکس میکند، یا درست بعکس منعکس میکند. من برای مردم خودمان حرف میزنم. اقتدار جمهوری اسلامی مربوط به افکار عمومی جهانی نیست. جمهوری اسلامی اقتدار خود، عزت خود، شرف خود را از افکار عمومی دنیا به دست نیاورده است؛ از خود این ملت به دست آورده است. آن بنای استوار و مستحکمی که ملت ایران به وجود آوردند و امروز پیام آن در همه‌ی دنیا دارد پی‌درپی و به خودی خود پخش میشود، متکی است به خود ملت ایران. (۹۱/۱۱/۲۹)

حرفشان با عملشان یکی نیست ، مذاکره همراه با فشار و تهدید به چه معناست؟

پس نکته‌ی اول این است که بدون اعتقاد حرف میزنند و حرفشان با عملشان یکی نیست. (۹۱/۱۱/۲۹)

وقتی طرف، حُسن نیت نشان نمیدهد، خودتان میگویید فشار و مذاکره؛ این دوتا با هم سازگار نیست. شما میخواهید اسلحه را مقابل ملت ایران بگیرید، بگویید: یا مذاکره کن یا شلیک میکنم. برای اینکه ملت ایران را بترسانید، بدانید ملت ایران در مقابل این چیزها مرعوب نخواهد شد (۹۱/۱۱/۱۹)

حالا اخیراً آمریکایی‌ها باز مسئله‌ی مذاکره را پیش کشیدند، تکرار میکنند که آمریکا آماده است با ایران مذاکره‌ی مستقیم بکند؛ این تازگی ندارد. مسئله‌ی مذاکره را آمریکایی‌ها در هر مقطعی تکرار کرده‌اند. حالا امروز نوبه میدان آمده‌ها مجدداً تکرار میکنند که مذاکره کنیم و میگویند توپ در زمین ایران است، توپ در زمین شماست، شما هستید که باید پاسخگو باشید، شما هستید که باید بگویید مذاکره‌ی همراه با فشار و تهدید، چه معنایی دارد؟ مذاکره برای اثبات حُسن نیت است. شما ده تا کار انجام

میدهید که حاکی از سوء نیت است، آن وقت به زبان میگویید مذاکره؟! توقع دارید ملت ایران قبول کنند که شما حسن نیت دارید؟! (۹۱/۱۱/۱۹)

میخواهند به دنیا اعلام کنند که ما حسن نیت داریم. نه، ما حسن نیتی مشاهده نمیکنیم. من چهار سال قبل - در اول این دولت کنونی امریکا - که باز همین حرفها را میزدند، اعلام کردم، گفتم که ما پیشداوری نمیکنیم، قضاوت زودهنگام نمیکنیم؛ ما نگاه میکنیم ببینیم عمل اینها چگونه است، آن وقت قضاوت خواهیم کرد. حالا بعد از چهار سال، قضاوت ملت ایران چه باشد؟ از فتنه‌ی داخلی حمایت کردند، به فتنه‌گران کمک کردند، در سطح منطقه با ادعای مبارزه با تروریسم به کشوری مثل افغانستان لشگرکشی کردند، این همه انسان را پامال کردند، نابود کردند؛ با همان تروریستها امروز دارند در سوریه همکاری میکنند، پشتیبانی میکنند؛ همان تروریستها را در هرجایی که توانستند در ایران به کار بگیرند، به کار گرفتند، عوامل آنها، همپیمانهای آنها، جاسوسان رژیم صهیونیستی، دانشمندان را در جمهوری اسلامی ترور کردند صریح، اینها حاضر نشدند حتی محکوم کنند، حمایت هم کردند؛ این عملکرد آنهاست؛ علیه ملت ایران تحریمهایی را که خودشان میخواستند این تحریمها فلج کننده باشد، به کار گرفتند و این را تصریح کردند و گفتند فلج کننده. چه کسی را میخواستید فلج کنید؟ ملت ایران را میخواستید فلج کنید؟ شما حسن نیت دارید؟! (۹۱/۱۱/۱۹)

آمریکائی‌ها نشان بدهند که زور نمیگویند، نشان بدهند که شرارت نمیکنند، نشان بدهند که در حرف و عملشان غیر منطقی حرف نمیزنند و عمل نمیکنند، نشان بدهند که به حقوق ملت ایران احترام میگذارند، نشان بدهند که در منطقه آتش‌افروزی نمیکنند، نشان بدهند که در مسائل ملت ایران دخالت نمیکنند؛ آنچنان که در فتنه‌ی ۸۸ دخالت کردند، از فتنه‌گران پشتیبانی کردند، شبکه‌های اجتماعی را در خدمت فتنه‌گران قرار دادند - یک شبکه‌ی اجتماعی آن روزها میخواست برای تعمیرات تعطیل کند، گفتند تعطیل نکن؛ برای اینکه بتوانند روی فتنه و آتش فتنه اثر بگذارند! - این کارها را نکنند، خواهند دید جمهوری اسلامی یک نظام خیرخواه است؛ مردم، مردم منطقی‌ای هستند. راه تعامل با جمهوری اسلامی فقط این چیزی است که گفتیم و لایغیر؛ از این راه میتوانند با جمهوری اسلامی تعامل داشته باشند. (۹۱/۱۱/۱۹)

باید حسن نیت نشان بدهند. عنوان مذاکره، پیشنهاد مذاکره با فشار سازگار نیست؛ راه فشار با راه مذاکره دوتاست؛ امکان ندارد که ملت ایران قبول بکند که زیر چکمه‌ی فشار، زیر تهدید بیاید با طرف تهدید کننده و فشار آورنده مذاکره کند. مذاکره کنیم که چی؟ که چه بشود؟! (۹۱/۱۱/۱۹)

در مذاکره به دنبال تسلیم شدن طرف مقابل و تحمیل نظر خود میباشند

مذاکره در عرف آمریکائی‌ها و قدرتهای سلطه‌گر به معنای این است که بیایید بنشینیم گفتگو کنیم تا شما حرف ما را قبول کنید -هدف مذاکره این است - بیایید بنشینیم حرف بزنییم تا بالاخره نتیجه‌ی این حرف زدن و گفتگو کردن این باشد که مطلبی را که شما قبول نمیکردید، حالا قبول کنید. همین حالا در تبلیغاتی که آمریکائی‌ها در مورد مذاکرات راه انداخته‌اند - که چند وقت است لابد میشنوید - و سر و صدا و هیاهو دارند که بله، با ایران مذاکره‌ی مستقیم کنیم، چه کنیم، در همین حرفهای امروزشان هم این معنا کاملاً خودش را نشان میدهد: بیاییم بنشینیم تا ایران را قانع کنیم که از غنی‌سازی دست بردارد؛ از انرژی هسته‌ای دست بردارد. هدف این است. نمیگویند بیاییم بنشینیم مذاکره کنیم تا ایران ادله‌ی خودش را بیان کند، ما از فشار روی مسئله‌ی هسته‌ای دست برداریم، از تحریم دست برداریم، از دخالتهای امنیتی و سیاسی و غیره دست برداریم؛ میگویند بیایید مذاکره کنیم تا ایران حرف ما را قبول کند! (۹۱/۱۱/۲۹)

هر جایی که در اثنای مذاکره ببینند طرف مقابل یک حرف منطقی‌ای میزند و آنها کم می‌آورند، در مقابل ایران همان جا مذاکره را قطع میکنند؛ میگویند ایران حاضر نیست حرف بزند! شبکه‌های خبری و سیاسی هم دست آنهاست؛ تبلیغات میکنند. این را ما تجربه کردیم. در این ده پانزده سال گذشته، دو سه مرتبه اتفاق افتاد که آمریکائی‌ها سر یک موضوع مشخصی به مسئولین ما پیغام دادند، اصرار کردند که یک امر خیلی لازم فوری فوتی واجب است، بیاید بنشینیم یک صحبتی بکنیم. خب، مأمورین

دولتی - معمولاً یک نفر، دو نفر - رفتند يك جائی نشستند صحبت کردند؛ بمجرد اینکه حرف منطقی اینها بیان شد و آنها جوابی نداشتند، یکجانبه مذاکره‌ها قطع شد! البته استفاده‌ی تبلیغاتی‌شان را هم کردند. این، تجربه‌ی ماست. خب، «من جربّ المجربّ حلت به الندامة» (۹۱/۱۱/۲۹)

اگر مذاکره هم کنیم باز دست از تحریم‌ها و فشارها بر نمیدارند

در تبلیغات وانمود میکنند که اگر ایران با آمریکا سر میز مذاکره بنشیند، تحریمها برداشته میشود. این هم دروغ است. هدفشان این است که با وعده‌ی برداشتن تحریمها، ملت ایران را وادار کنند که اشتیاق به مذاکره‌ی با آمریکا پیدا کند. (۹۱/۱۱/۲۹)

یک عده‌ای هم از روی ساده‌لوحی بعضاً، بعضی هم از روی غرض - نمیشود انسان قضاوت قطعی نسبت به اشخاص بکند، اما کار آدم ساده‌لوح، با کار آدم مغرض، در ماهیت خود تفاوتی پیدا نمیکند - خوشحال میشوند که بله، بیایید؛ نه، اینجور نیست، مذاکره مشکلی را حل نمیکند؛ مذاکره‌ی با آمریکا مشکلی را حل نمیکند؛ کجا اینها به وعده‌های خودشان عمل کردند؟ شصت سال است که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که با آمریکایی‌ها مسئولین این کشور اعتماد کردند، ضربه خوردند. یک روزی مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد کرد، به آنها تکیه کرد، آنها را دوست خود فرض کرد، ماجرای ۲۸ مرداد پیش آمد که محل کودتا در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت و عامل کودتا با چمدان پر پول آمد تهران و پول قسمت کرد بین ارادل و اوباش که کودتا را راه بیندازد؛ آمریکایی بود. تدبیر کار را خودشان هم اعتراف کردند، اقرار کردند. بعد هم حکومت ظالمانه‌ی پهلوی را سالهای متمادی بر این کشور مسلط کردند، ساواک تشکیل دادند، مبارزان را به زنجیر کشیدند، شکنجه کردند؛ این مال آن دوره است. بعد از انقلاب هم در برهه‌ای مسئولین کشور روی خوش‌بینی‌های خود به اینها اعتماد کردند، از آن طرف، سیاست دولت آمریکا، ایران را در محور شرارت قرار داد. مظهر شرارت شماست؛ شما هستید که در دنیا دارید شرارت میکنید، جنگ راه می‌اندازید، ملت‌ها را میچاپید، از رژیم صهیونیستی حمایت میکنید، ملت‌های بیخاسته را در این ماجرای بیداری اسلامی تا هر جا که بتوانید دچار سرکوب میکنید و به استضعاف میکشید و بین آنها اختلاف می‌اندازید؛ شرارت متعلق به شماست؛ شأن شماست. ملت ایران را متهم کردند به شرارت؛ اهانت بزرگ. هر جا به اینها اعتماد شد، اینها این جوری حرکت کردند. (۹۱/۱۱/۱۹)

غرض دشمن از مذاکره این است که ما از ایمانمان دست بکشیم

مذاکره، یعنی چه؟ صرف این که شما بروید با امریکا بنشینید حرف بزنید و مذاکره کنید، مشکلات حل می‌شود؟ این طوری که نیست. مذاکره در عرف سیاسی، یعنی معامله. مذاکره با امریکا، یعنی معامله با امریکا. معامله، یعنی داد و ستد؛ یعنی چیزی بگیری، چیزی بده. تو از انقلاب اسلامی، به امریکا چه می‌خواهی بدهی، تا چیزی از او بگیری؟ آن چیزی که شما می‌خواهید به امریکا بدهید، تا در مقابل از او چیزی بگیرید، چیست؟ ما چه می‌توانیم به امریکا بدهیم؟ او از ما چه می‌خواهد؟ آیا می‌داند که او چه می‌خواهد؟ «و ما نعموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحمید». (۱) واللّه که امریکا از هیچ چیز ملت ایران، به قدر مسلمان بودن و پایبند بودن به اسلام ناب محمدی، ناراحت نیست. او می‌خواهد شما از این پایبندی‌تان دست بردارید. او می‌خواهد شما این گردن برافراشته و سرافراز را نداشته باشید؛ حاضرید؟ (۱۳۶۹/۰۲/۱۲)

القاء میکنند غرض اصلی آنها از دشمنی‌ها مسئله هسته‌ای است.

همین چند روز قبل از این، رئیس‌جمهور آمریکا نطق میکند و درباره‌ی مسائل هسته‌ای ایران جوری حرف میزند که انگار اختلاف بین ایران و آمریکا این است که ایران میخواهد سلاح هسته‌ای درست کند. میگوید ما تا جائی که بتوانیم، نمیگذاریم ایران سلاح هسته‌ای درست کند! خب، اگر ما میخواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، شما چطور میتوانستید نگذارید؟ اگر ایران اراده میکرد که سلاح هسته‌ای داشته باشد، آمریکا به هیچ وجه نمیتوانست جلوی او را بگیرد. ما نمیخواهیم سلاح هسته‌ای درست کنیم؛ نه به خاطر اینکه آمریکا از این ناراحت میشود؛ عقیده‌ی خود ما این است. ما اعتقاد داریم که سلاح هسته‌ای جنایت بر بشریت است و نباید تولید شود؛ آنچه هم که در دنیا هست، باید محو شود و از بین برود؛ این عقیده‌ی ماست، به شما

ربطی ندارد. اگر ما این عقیده را نداشتیم و تصمیم می‌گرفتیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، هیچ قدرتی نمیتوانست جلوی ما را بگیرد؛ همچنان که در جاهای دیگر هم نتوانستند بگیرند: در هند نتوانستند، در پاکستان نتوانستند، در کره‌ی شمالی نتوانستند. آمریکائی‌ها مخالف هم بودند، اما آنها هم سلاح هسته‌ای درست کردند. (۹۱/۱۱/۲۹)

آنها می‌گویند ما نگرانی داریم که شما به سمت تولید سلاح هسته‌ای بروید — چندتا کشور هم بیشتر نیستند، که اسم آوردیم؛ اسم خودشان را می‌گذارند "جامعه‌ی جهانی"! — می‌گویند جامعه‌ی جهانی نگرانی دارد. نخیر، جامعه‌ی جهانی هیچ نگرانی‌ای ندارد. اکثر کشورهای دنیا طرف جمهوری اسلامی هستند و از خواسته‌ی ما حمایت میکنند؛ چون خواسته‌ی بحقی است. آمریکائی‌ها اگر می‌خواستند مسئله حل شود، این راه حل بسیار آسانی بود؛ میتوانستند به حق غنی‌سازی برای ملت ایران اعتراف کنند؛ برای اینکه نگرانی‌ای هم از آن جهات نداشته باشند، میتوانستند مقررات قانونی آژانس هسته‌ای را هم اعمال کنند؛ ما هم از اول هیچ مخالفتی با اعمال این نظارتها و مقررات نداشتیم. هر وقت نزدیک به راه حل میشویم، آمریکائی‌ها يك سنگی می‌اندازند که جلوی راه حل گرفته شود. هدف آنها طبق تلقی و برداشتی که من دارم، این است که می‌خواهند این قضیه باقی بماند تا بهانه‌ای باشد برای فشار؛ که آن فشارها — همان طور که خودشان گفتند — برای فلج کردن ملت ایران است. البته به کوری چشم دشمن، ملت ایران فلج نخواهد شد. (۹۲/۱/۱)

غرض اساسی آنها از مذاکره کاری تبلیغاتی تا کشورهای اسلامی را ناامید و از مقاومت منصرف کنند

غرض آنها حل مشکلات و مسائل نیست — که من بعد توضیح خواهم داد — غرضشان يك کار تبلیغاتی است برای اینکه به ملت‌های مسلمان نشان دهند که ببینید این نظام جمهوری اسلامی بود با آن سرسختی، با آن ایستادگی، اما عاقبت مجبور شد بیاید باب مصالحه و گفتگو را با ما باز کند. وقتی ملت ایران اینجور است، شماها چه می‌گوئید دیگر؟ این را برای خاموش کردن و ناامید کردن ملت‌های سربرافراشته‌ی مسلمان که امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی اینها نسیم بیداری وزیده است و به خاطر اسلام احساس عزت میکنند، لازم دارند. از اول انقلاب، این یکی از هدفها بود. از سالهای اول انقلاب، یکی از هدفهای آنها همین بود که ایران را پای میز مصالحه و بده‌بستان بکشانند؛ بگویند بالاخره دیدید ایران هم که ادعا میکرد مستقل است، ایستاده است، نترس است، شجاع است، مجبور شد بیاید بنشیند پای میز مذاکره؟ امروز هم همین هدف را دنبال میکنند. این، مطلب مهمی است. وقتی هدف از مذاکره، يك هدف غیرمربوط به مسائل اساسی است، يك هدف تبلیغاتی است، خب معلوم است طرف مقابل که جمهوری اسلامی است، خام نیست، چشم‌پسته نیست، می‌فهمد که هدف شما چیست؛ لذا متناسب با همان نیت خودتان، جواب شما را میدهد. (۹۱/۱۱/۲۹)

به قول خود آمریکایی‌ها، سیاست خاورمیانه‌ای آنها دچار شکست شده. آمریکا در سیاستهای خود در این منطقه، دچار شکست است. احتیاج دارند به اینکه يك برگ برنده‌ای را به قول خودهاشان رو کنند؛ این برگ برنده از نظر آنها عبارت است از اینکه: نظام جمهوری اسلامی انقلابی مردمی را، بکشانند پای میز مذاکره؛ به این احتیاج دارند. (۹۱/۱۱/۱۹)

مذاکره از روی حُسن نیت، با شرایط برابر، میان دو طرفی که نمی‌خواهند به یکدیگر کلك بزنند، معنا پیدا میکند. مذاکره به صورت يك تاکتیک، مذاکره برای مذاکره، مذاکره برای فروختن ژست ابرقدرتی بیشتر به دنیا، این مذاکره يك حرکت حيله‌گرانه است؛ این حرکت واقعی نیست. (۹۱/۱۱/۱۹)

موضع ملت ایران در برابر پیشنهاد سازش و مذاکره

ایستادگی و مقاومت تا رسیدن به هدف

ما بدی ندیدیم از ایستادگی، از مقاومت. مقاومت، نیروی درونی يك ملت را احیاء میکند و به فعلیت میرساند. همین تحریم‌هایی که میکنند، به کمک ملت ایران خواهد آمد و ملت ایران را به اذن الله و به حول و قوه‌ی الهی به رشد و شکوفائی خواهد رساند.

این، نکته‌ی مهمی است. خب، امسال شما دیدید در این راهپیمائی، مردم چه کردند. نمیشود گفت مردم از گرانی و مشکلات شکایتی ندارند؛ چرا، گرانی هست، مشکلات اقتصادی هست، مردم هم آن را لمس میکنند - مخصوصاً طبقات ضعیف - اما این موجب نشد که مردم بین خودشان و نظام اسلامی فاصله بیندازند. مردم میدانند که آن دست قدرتمندی که بتواند این مشکلات را حل کند، نظام اسلامی است؛ آن اسلام عزیز و اسلام مقتدر و مسئولانی است که به اسلام پایبندند؛ اینها میتوانند مشکلات را برطرف کنند. تسلیم شدن در مقابل دشمنان، مشکلی را برطرف نمیکند. (۹۱/۱۱/۲۹)

بله، ملت ایران در مقابل آنچه که دشمن میخواهد انجام دهد، دنبال تدبیر خواهد بود. ملت ایران دنبال شکوفائی اقتصادی، رونق اقتصادی و رفاه کامل است؛ اما ملت ایران نمیخواهد این را از راه ذلت در مقابل دشمن به دست بیاورد؛ این را میخواهد با نیروی خود، با عزم خود، با شجاعت خود، با پیشروی خود، با توانائی جوانانش به دست آورد؛ لا غیر. بله، تحریم، فشار است، آزار است - شکی نیست - اما در مقابله‌ی با این فشار و آزار، دو راه وجود دارد: ملت‌های ضعیف وقتی که دشمن فشار آورد، میروند در مقابل دشمن تسلیم میشوند، خشوع میکنند، توبه میکنند. اما ملت شجاعی مثل ایران بمجرد اینکه دید دشمن دارد فشار می‌آورد، سعی میکند نیروهای درونی خود را فعال کند، با قدرت و شجاعت از منطقه‌ی خطر عبور کند؛ و همین کار را خواهد کرد. این هم تجربه‌ی سی ساله‌ی ماست. (۹۱/۱۱/۲۹)

ما با کشورهایی که حرکت توطئه‌آمیز علیه ایران نداشتند و ندارند، مذاکره کردیم، قرار داد بستیم، ارتباط برقرار کردیم؛ ملت ایران اهل مسالمت است؛ ملت ایران اهل حلم است؛ وحدت ملت ایران در خدمت منافع عمومی بشریت است؛ امروز آنچه که ملت ایران انجام میدهد برای منافع ملی، برای منافع امت اسلامی و برای منافع بشریت است. و بدون تردید کمک الهی پشت سر ملت ایران است. مردم ایران با این بصیرت، با این عزم راسخ، با این ایستادگی‌ای که در این راه روشن خود نشان دادند و ان‌شاءالله همیشه این را دنبال خواهند کرد، خواهد توانست نه فقط ملت ایران را، ان‌شاءالله امت اسلامی را به اوج قله‌ی افتخار برسانند. راهش این است که این بصیرت را حفظ کنیم؛ راهش این است که اتحاد خودمان را حفظ کنیم؛ راهش این است که مسئولین کشور مصالح کشور را حفظ کنند. (۹۱/۱۱/۱۹)

به آمریکا سوء ظن داریم و خوش بین نیستیم

امروز ملت ایران بیدار است. چهره‌ی آمریکا نه فقط در ایران، در منطقه شناخته شده است؛ ملت‌ها به آمریکا سوء ظن دارند و این سوء ظن قرائن متعددی برای آنها دارد؛ ملت ایران هم دست آمریکا را خوانده است، میفهمد که مقصود آنها چیست؛ ملت بیدار است. (۹۱/۱۱/۱۹)

من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام، حرف را صریح و صادقانه میگویم. دیپلمات یک کلمه‌ای را میگوید، معنای دیگری را اراده میکند. ما صریح و صادقانه حرف خودمان را میزنیم؛ ما قاطع و جازم حرف خودمان را میزنیم. مذاکره آن وقتی معنا پیدا میکند که طرف، حسن نیت خود را نشان بدهد. (۹۱/۱۱/۱۹)

من به این گفتگوها خوشبین نیستم. چرا؟ چون تجربه‌های گذشته‌ی ما نشان میدهد که گفتگو در منطق حضرات آمریکائی به این معنی نیست که بنشینیم تا به یک راه حل منطقی دست پیدا کنیم - منظورشان از گفتگو این نیست - منظورشان از گفتگو این است که بنشینیم حرف بزنییم تا شما نظر ما را قبول کنید؛ هدف، از اول اعلام شده است؛ باید نظر طرف مقابل قبول شود. لذا ما همیشه اعلام کردیم و گفتیم که این، گفتگو نیست؛ این، تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمی‌رود. (۹۲/۱/۱)

امکان ندارد زیر فشار مذاکره کنیم

باید حسن نیت نشان بدهند. عنوان مذاکره، پیشنهاد مذاکره با فشار سازگار نیست؛ راه فشار با راه مذاکره دوتاست؛ امکان ندارد که ملت ایران قبول بکند که زیر چکمه‌ی فشار، زیر تهدید بیاید با طرف تهدید کننده و فشار آورنده مذاکره کند. مذاکره کنیم که چی؟ که چه بشود؟ (۹۱/۱۱/۱۹)

مسئولین ما منطقی‌اند، ملت ما منطقی‌اند. حرف منطقی و کار منطقی را ما قبول داریم. آمریکائی‌ها نشان بدهند که زور نمی‌گویند، نشان بدهند که شرارت نمی‌کنند، نشان بدهند که در حرف و عملشان غیر منطقی حرف نمی‌زنند و عمل نمی‌کنند، نشان بدهند که به حقوق ملت ایران احترام می‌گذارند، نشان بدهند که در منطقه آتش‌افروزی نمی‌کنند، نشان بدهند که در مسائل ملت ایران دخالت نمی‌کنند؛ آنچنان که در فتنه‌ی ۸۸ دخالت کردند، از فتنه‌گران پشتیبانی کردند، شبکه‌های اجتماعی را در خدمت فتنه‌گران قرار دادند - یک شبکه‌ی اجتماعی آن روزها می‌خواست برای تعمیرات تعطیل کند، گفتند تعطیل نکن؛ برای اینکه بتوانند روی فتنه و آتش فتنه اثر بگذارند! - این کارها را نکنند، خواهند دید جمهوری اسلامی یک نظام خیرخواه است؛ مردم، مردم منطقی‌ای هستند. راه تعامل با جمهوری اسلامی فقط این چیزی است که گفتیم و لاغیر؛ از این راه می‌توانند با جمهوری اسلامی تعامل داشته باشند. (۹۲/۱/۱)

تمامی مسئولین باید خطوط قرمز و خواسته‌ی ملت را رعایت کنند.

در چند مورد، در طول سالهای متمادی، در دولتهای گوناگون، کسانی بر سر موضوعات مقطعی - که ما هم مخالفتی نداشتیم - با آنها مذاکره کرده‌اند؛ اما مربوط به دولتها بوده است. البته همانها هم موظف بوده‌اند که خطوط قرمز رهبری را رعایت کنند؛ امروز هم موظفند و باید رعایت کنند. (۹۱/۱۱/۱۹)

امروز اگر کسانی بخواهند سلطه‌ی آمریکا را مجدداً در این کشور برقرار کنند، بخواهند از منافع ملی، از پیشرفت علمی، از حرکت مستقل صرف‌نظر کنند برای خاطر رضایت آمریکا، ملت گریبان اینها را خواهد گرفت؛ بنده هم اگر بخواهم بر خلاف این حرکت عمومی و خواست عمومی حرکت کنم، ملت اعتراض خواهد کرد؛ معلوم است. همه‌ی مسئولین موظفند منافع ملی را رعایت کنند؛ استقلال ملی را رعایت کنند؛ آبروی ملت ایران را حفظ کنند. (۹۱/۱۱/۱۹)

برداشت ما این است که پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکائی‌ها، یک تاکتیک آمریکائی و برای فریب دادن افکار عمومی است؛ افکار عمومی دنیا و افکار عمومی مردمان. باید شما ثابت کنید این نیست. می‌توانید ثابت کنید؟ ثابت کنید. (۹۲/۱/۱)

راه حل این ملت ایران این است که دست از دشمنی بردارید

راه حل این است: آمریکائی‌ها از دشمنی با جمهوری اسلامی دست بردارند، از دشمنی با ملت ایران دست بردارند. پیشنهاد مذاکره، حرف منطقی و متین و مستدلی نیست؛ حرف درست این است. اگر می‌خواهند مشکلات فی‌مابین وجود نداشته باشد - که می‌گویند ما می‌خواهیم بین ایران و آمریکا مشکلی وجود نداشته باشد - دست از دشمنی بردارند. سی و چهار سال است که دولتهای گوناگون آمریکا با فهم غلط از ایران و ایرانی، دشمنی‌های گوناگونی را با ما طراحی کرده‌اند. از سال اول پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، اینها با ما دشمنی کردند؛ در زمینه‌ی امنیت، علیه امنیت ما برنامه‌ریزی کردند؛ حرکات خصمانه انجام دادند؛ علیه تمامیت ارضی ما اقدام کردند؛ از دشمنان ریز و درشت ما در طول سالهای متمادی همیشه حمایت کردند؛ علیه اقتصاد ملی ما فعالیت کردند؛ از همه‌ی ابزارها علیه ملت ایران استفاده کردند؛ و در همه‌ی اینها هم بحمدالله شکست خوردند؛ بعد از این هم در مقابله‌ی با ملت ایران اگر این دشمنی‌ها را ادامه دهند، شکست خواهند خورد. بنابراین بنده مسئولان آمریکائی را هدایت می‌کنم؛ اگر دنبال راه عاقلانه می‌گردند، راه عاقلانه این است که سیاست خود را تصحیح کنند؛ عمل خود را تصحیح کنند و دست از دشمنی با ملت ایران بردارند. (۹۲/۱/۱)

آمریکائی‌ها باید حسن نیت خودشان را اثبات کنند؛ نشان بدهند که درصدد زورگویی نیستند. اگر چنانچه این را نشان دادند، آن وقت خواهند دید که ملت ایران پاسخ خواهد داد. شرارت نباشد، دخالت نباشد، زورگویی نباشد، شناختن حقوق ملت ایران باشد، آن وقت جواب مناسب از طرف ایران داده خواهد شد. (۹۱/۱۱/۲۹)